

بشتری



علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی

● شماره ۲۲۷

● مهر ۱۴۰۲

ISSN 1735-3658 شماره ثبت بین المللی

اولین نشریه دوگانه ویژه نابینایان و کم بینایان در خاورمیانه



(ص)

در بهار مهر بخوانید

- ۲.....مهربان اما مظلوم!
- ۵.....مکان‌ها در قرآن
- ۹.....حکمت‌های علوی
- ۱۰.....من قوی
- ۱۱.....همه جا عطر جنان می آید
- ۱۵.....عقاب
- ۱۶.....بزرگ‌ترین بلا
- ۱۶.....به شرطی که!
- ۱۹.....همه مسافریم
- ۲۰.....به خود افتخار کنید!
- ۲۱.....راه کم‌گذر
- ۲۳.....از پنج نفر بر حذر باش!
- ۲۴.....ریسک‌پذیری
- ۲۵.....آمد خزان
- ۲۶.....صله رحم
- ۲۸.....کار یکلماتور
- ۲۹.....بستنی
- ۳۰.....آداب میهمانی کودکان
- ۳۱.....چراغ راهنمایی
- ۳۲.....کنترل دیابت
- ۳۳.....زبان گل‌ها
- ۳۵.....میوه به در احادیث
- ۳۵.....سفارش‌های فرشی

مهربان اما مظلوم!

از کودکی همیشه عبارت «ایرادهای بنی اسرائیلی» در صحبت بزرگ‌ترها به گوش ما خورده و خودمان هم هر از چند گاه، این اصطلاح را به کار می‌بریم. این عبارت گرچه قابل فهم به نظر می‌رسد اما سرشار از رنج‌ها و خون دل‌هایی است که حضرت موسی (Σ) به دلیل جهل عمیق برخی از افراد قوم بنی اسرائیل متحمل آن شد؛ قومی که با وجود دیدن خورشید درخشان، همچون انسان‌های سرگشته و حیران، دور خود می‌چرخیدند و طلب نور و روشنایی می‌کردند. این نادانی‌ها و بهانه‌گیری‌های بنی اسرائیل، آن قدر زیاد بود که بارها در آیات قرآن به عاقبت جهل و غفلت این قوم اشاره شده است.

با این حال، خاتم‌الانگشتی رسالت و آخرین حلقه زنجیره نبوت، در حدیثی فرمودند که هیچ پیامبری به اندازه ایشان آزار و اذیت نشد. متأسفانه عامل آزار آن حضرت فقط به کفار و مشرکین کینه‌توز محدود نمی‌شد و منافقین ریاکار و حیل‌گر و مسلمانان ساده‌لوح و فریب‌خورده هم عوامل مؤثری در تشدید این آزارها

بودند. به عبارت دیگر، پیامبر مهربانی در طول عمر پربرکت اما پر رنج خود بسیار مظلوم واقع شد و به جز خداوند متعال، امیر مؤمنان و کوثر رسالت، هیچ کس دیگری عمق رنج‌های آخرین پیام آور الهی را نشناخت. ما شهسوار میدان جوانمردی را «اول مظلوم عالم» می‌دانیم اما خود امیر مؤمنان (Σ)، پیامبر اکرم (ؐ) را اول مظلوم می‌دانستند و چون ایشان از کودکی در خانه وحی پرورش یافتند، سخن‌شان حجتی انکارناپذیر بر عمق آزارها علیه پیام‌رسان وحی است اما با توجه به اینکه بر اساس احادیث قطعی از پیامبر اعظم (ؐ)، امیر مؤمنان جان و نفس ایشان بود، هر دوی این بزرگواران از سوی امت خود مورد حق ناشناسی و ظلم قرار گرفتند.

مگر رسول اکرم (ؐ) برای تعالی انسان‌ها چه برنامه و درخواستی از مردم داشت که آنان تنها در قالب سخن گفتن تأیید و تصدیقش می‌کردند اما هنگام عمل، به بهانه‌های مختلف میدان را خالی می‌کردند و تنهایش می‌گذاشتند؟ مگر نه این است که پیامبران، بندگان خاص خداوند هستند و سلوک بندگی را به بهترین وجه طی کرده و بر قله انسانیت ایستاده‌اند؟ پس اگر امر به معروف و

نهی از منکر می‌کردند، هیچ منفعتی برای خودشان نداشت بلکه تنها دغدغه آنان به راه آمدن مردم و روشن شدن جاده پیشرفت آنان بود!

پس از گذشت قرن‌ها از بعثت آخرین پیام‌آور وحی، ما مسلمانان روز میلاد آن حضرت را از جنبه‌های ظاهری به بهترین شکل ممکن با جشن و سرور برگزار می‌کنیم اما بهتر است گاهی خودمان را محاسبه کنیم که از جنبه عملی، چه کاری انجام داده‌ایم که دل شکسته آن حضرت اندکی آرامش پیدا کند؟ تا زمانی که ما به پوسته‌ای ظاهری از دین اکتفا کنیم، موج حملات معاندان کینه‌توز علیه مبانی والای دین اسلام، شخص و شخصیت پیام‌آور وحی و کتاب آسمانی ما همچنان ادامه دارد!

کاش هر سال تنها یکی از ویژگی‌های برجسته اخلاقی خاتم‌انبیا(ﷺ) سرلوحه امور زندگی فردی و اجتماعی ما شود تا شاید در پایان آن سال، این ویژگی به ملکه اخلاقی ما تبدیل شود و رفتار و گفتارمان با یکدیگر، مسئولان با یکدیگر و با مردم به زینت این خصوصیت والای اخلاقی آراسته شود.

[[سپیدار]]

مکان‌ها در قرآن

از آنجا که قرآن کریم، کتاب زندگی است؛ در آیات نورانی آن نه تنها به افراد و اشخاص مختلف اعم از مؤمن و کافر اشاره شده بلکه اماکن متفاوت شامل اماکن محسوس و قابل مشاهده دنیایی و اماکن اخروی نیز در این آیات، جایگاه خاص خود را دارند.

اماکن دنیوی در قرآن کریم زیاد است از جمله شهرها، مساجد، سرزمین‌ها، رودها و کوه‌ها.

شهرها در آیات قرآن به نام برخی شهرها صراحتاً اشاره شده است، مانند:

روم: آیه اول سوره روم که به شکست دولت روم اشاره کرده است.

مصر: نام این شهر در سه مورد خاص در قرآن ذکر شده است: اول، در سوره بقره آنجا که به قوم بنی اسرائیل می‌فرماید به سرزمین مصر فرود آیند. دوم، در سوره یونس به موسی و هارون (Σ) دستور می‌دهد خانه‌های خود را در مصر بنا کنند. سوم، در ماجرای حضرت یوسف (Σ) که عزیز مصر شد و در نهایت،

خانواده و والدینش نیز به مصر آمدند. البته در زبان عربی، واژه «مصر» همانند واژه «مدینه» به معنای عمومی شهر است.

بابل: در سوره بقره به دو فرشته در این شهر به نام‌های هاروت و ماروت اشاره می‌شود.

بَکّه: نام دیگر شهر مکه معظمه است. در سوره آل عمران چنین آمده است که اولین خانهای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین بَکّه است. البته به خانه خدا هم در آیات زیادی به صورت غیر مستقیم اشاره شده است.

مدینه: در سوره منافقون کلمه مدینه ذکر شده که منظور از آن، دقیقاً مدینه‌النبی یعنی همان شهر یترب است.

مساجد در آیاتی از قرآن کریم، به نام سه مسجد صراحتاً اشاره شده است.

مسجدالحرام و مسجدالاقصی: نام این دو مسجد در اولین آیه از سوره اسراء آمده است. البته نام مسجدالحرام، ۱۳ بار در آیات مختلف از جمله چند آیه از سوره بقره ذکر شده است.

مسجد ضرار: نام این مسجد، یک بار در سوره توبه آمده است.

سرزمین‌ها:

مدین: سرزمینی که حضرت شعیب (Σ) در آن زندگی می‌کرد. آیه ۲۳ سوره قصص نام این سرزمین را ذکر کرده است.

احقاف: آیه ۲۱ سوره احقاف به این سرزمین و ماجرای حضرت هود و قوم عاد اشاره می‌کند.

رودخانه‌ها و دریاها:

رود نیل: هنوز هم نام این رود در جغرافیای زمین وجود دارد. در سوره طه، از نیل به‌عنوان دریا نام برده شده است آنجا که خداوند به مادر حضرت موسی (Σ) دستور می‌دهد که آن حضرت را به دریا بیفکند.

مجمع‌البحرین: به معنی محل تلاقی دو دریا، در آیه ۶۲ سوره کهف به آن اشاره شده است.

کوه‌ها:

غار کهف: در آیات ۹ و ۱۰ سوره کهف به غار اصحاب کهف اشاره شده که منظور از اسم کهف، غار و کوه است.

کوه طور: در آیه ۱۵۴ سوره نسا به آن اشاره شده و نامش با ماجرای رسالت حضرت موسی (Σ) همراه است.

کوه‌های صفا و مروه: در سوره بقره از این دو به‌عنوان شعائر الهی یاد شده است.

اماکن بهشتی در آیات قرآن کریم با ۲۱ تعبیر به مکان‌های بهشتی که فعلاً برای ما محسوس نیست اما وجود دارد اشاره شده است از جمله:

جنات عدن: سوره توبه آیه ۷۴

جنات الفردوس: سوره کف آیه ۱۰۷

جنات المأوی: سوره سجده آیه ۱۹

جنات النعیم: سوره مائده آیه ۶۵

جَنَّةُ الْخُلْد: سوره فرقان آیه ۱۵

جَنَّةُ الْمَأْوَى: نجم آیات ۱۳ و ۱۵

جَنَّةُ عَالِيَةِ: حاقه آیات ۲۱ و ۲۲

جَنَّةُ نَعِيم: سوره واقعه آیه ۸۹

حُسْنَى: سوره نساء آیه ۹۵

الدار الآخرة: سوره قصص آیه ۸۳

دارالسلام: سوره انعام آیه ۱۲۷

دارالقرار: سوره غافر آیه ۳۹

دارالمتقین: سوره نمل آیه ۳۰

دارالمقامه: سوره فاطر آیه ۳۵

روضات الجنات: سوره شوری آیه ۲۲

طوبی: سوره رعد آیه ۲۹

علیون: سوره مطفین آیه ۱۸

فردوس: سوره مؤمنون آیه ۱۱

فضل: سوره مؤمنون آیه ۱۱ مفسران، فضل را بهشت دانسته‌اند.

عین: سوره واقعه آیه ۲۷. بسیاری از مفسران، مراد از کلمه عین

در این آیه را بهشت دانسته‌اند.

حکمت‌های علوی

✍ سینه عاقل، مخزن و صندوقِ سرّ اوست و گشاده‌رویی و

خوشرویی، دام دوستی و محبت است.

✍ تحمل و بردباری، پوشاننده عیوب و زشتی‌ها است.

آشتی‌جویی و مسالمت، سرپوش عیب‌ها و گور بدی‌هاست.

✍ عجز و ناتوانی، آفت و بیچارگی است. صبر و شکیبایی،

شجاعت و دلاوری است. زهد در دنیا، ثروت و توانگری است. تقوا

و پرهیزکاری از مخالفت خدا، سپری نگه دارنده از معصیت و گناه است.

✍ رضایت و خشنودی، بهترین همنشین است! علم و دانش، میراثی گرانبهاست! آداب و اخلاق پسندیده، زینت و زیورهای تازه است! فکر و اندیشه، آینه‌ای روشن و شفاف است!

✍ با مردم چنان معاشرت و برخورد کنید که اگر مُردید، بر فقدان شما گریه و زاری کنند و اگر زنده ماندید، با شما دوستی و مهربانی کنند.

✍ برترین بی‌نیازی و توانگری، ترک آرزوها است!

«ترجمه، رضا مرندی»

من قوی

* تمرین، باعث تکامل می‌شود! درست همان‌طور که برای تناسب بدن به ورزش احتیاج دارید، برای نگهداری خودتان در «من قوی» هم نیاز به تمرین است. با تمرین و فکر کردن به «من قوی»، پیوسته در آن نقطه قرار بگیرید.

* هرچه اتفاق بیفتد، به نفع شماست! گاهی متوجه نمی‌شویم که تغییراتی در درون ما اتفاق می‌افتد. باور کنیم هنگامی که از ابزار

«من قوی» خود استفاده می‌کنیم، فردی قدرتمندتر، دوست‌داشتنی‌تر و قابل اعتمادتر می‌شویم. کم‌کم پرتوهای اعتماد در وجود ما دیده و پذیرفته می‌شود.

* صبور باشید! شما در مسیر درستی هستید؛ برای فهمیدن این نکته، صبور باشید. در حالی که برای تقویت «من قوی» خود تمرین می‌کنید، اعتماد به نفس بیشتری در درون شما به وجود می‌آید. صبر، فهمیدن این نکته است که شما در حال رشد هستید. یک گل هنگامی شکوفه می‌دهد که آمادگی شکوفایی داشته باشد!

[[سپیده خلیلی]]

همه جا عطر جنان می‌آید

آیه آیه همه جا عطر جنان می‌آید

وقتی از حُسن تو صحبت به میان می‌آید

جبرئیلی که به آیات خدا مأنوس است

بشنود مدح تو را، با هیجان می‌آید

بس که در هر نفس جاذبه توحیدی است

ریگ هم در کف دستت به زبان می‌آید

هر چه بت بود، به صورت روی خاک افتاده‌ست

قبله عزت و ایمان به جهان می آید
با قدم تو برای همه اهل زمین
از سماوات خدا برگ امان می آید
نورِ توحیدی تو در همه جا پیچیده ست
از فراسوی جهان، عطر اذان می آید
عرش معراج سماوات شده محرابت
ملکوتیست در این جلوه عالم ثابت
خاک از برکت تو مسجد رحمانی شد
نور توحید به قلب بشر ارزانی شد
خواست حق جلوه کند روشنی توحیدش
قلب پرمهر تو از روز ازل بانی شد
ذکر لب‌های تو سر لوحه تسبیحات است
عرش با نور نگاه تو چراغانی شد
قول و افعال و صفات همه نور محضند
نورت آینه آیین مسلمانی شد
به سراپرده اعجاز و بقا ره یابد
هر که در مذهب دلدادگی ات فانی شد

خواستم در خور حُسن تو کلامی گویم
شعر من عاقبتش حسرت و حیرانی شد
ای که مبهوت تو و وصف خطی از حُسن
عقل صد مولوی و حافظ و خاقانی شد
از ازل پرتو حُسن ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
جنتی از همه عرش فراتر داری
تو که در دامن خود سوره کوثر داری
دیدن فاطمه‌ات دیدن وجه... است
چه نیازی است که تا عرش قدم برداری!
جذبه چشم تو تسخیر کند عالم را
در قد و قامت خود جلوه محشر داری
عالم از هیبت تو، شوکت تو سرشار است
اسدا...ی چون حضرت حیدر داری
حَسَنین‌اند روی دوش تو همچون خورشید
جلوه نور علی نور مکرر داری
اهل بیت تو همه فاتح دل‌ها هستند

روشنی بخش جهان، قبله دنیا هستند
ای که در هر دو سرا صبح سعادت با توست
رحمت عالمی و نور هدایت با توست
چشم امید همه خلق و شکوه کرمت
پدر امتی و اذن شفاعت با توست
با تو بودن که فقط صرف مسلمانانی نیست
آنکه دارد به دلش نور ولایت، با توست
بی ولای علی این طایفه سرگردانند
دشمنی با وصی‌ات عین عداوت با توست
باید از باب ولای علی آید هر کس
در هوای تو و در حسرت جنت با توست
سالیانیست دلم شوق زیارت دارد
یک نگاه تو مرا بس که اجابت با توست
کاش می‌شد سحری طوف مدینه آنگاه
نجف و کرب و بلا و حرم ثارا...

«یوسف رحیمی»

عقاب

مردی هنگام عبور از جنگل، تخم عقابی پیدا کرد و آن را به مزرعه‌اش برد و در لانه مرغ‌ها گذاشت. جوجه عقاب به همراه بقیه جوجه‌ها از تخم بیرون آمد و با آنها بزرگ شد. در تمام زندگی‌اش، همان کارهایی را انجام می‌داد که مرغ‌ها می‌کردند. برای پیدا کردن کرم‌ها و حشره‌ها، زمین را می‌کند و قُذُق می‌کرد و گاهی هم با دست و پا زدن بسیار، کمی در هوا پرواز می‌کرد.

سال‌ها گذشت و عقاب، پیر شد! روزی پرنده با عظمتی بالای سرش در آسمان دید. آن پرنده با یک حرکت کوچک با بال‌های طلایی‌اش بر خلاف جریان شدید باد پرواز کرد. عقاب پیر، بهت‌زده نگاهش کرد و گفت: «این کیست؟!» مرغی پاسخ داد: «این، عقاب و سلطان پرنندگان است! او متعلق به آسمان است و ما زمینی هستیم.» عقاب مثل مرغ زندگی کرد و مثل مرغ مرد، زیرا فکر می‌کرد مرغ است.

«اباصلت رسولی»

بزرگ‌ترین بلا

اصلاً حواس‌مان نیست که نبودن تو بزرگ‌ترین بلا است. این روزها از ندیدن‌ها و دور بودن‌ها عجیب می‌نالیم اما حواس‌مان نیست شما را که والد شفیق و رفیق انیس‌مان هستی، هرگز ندیده‌ایم. حواس‌مان نیست که در میان تمام هیاهوی زندگی باید فقط شما را بجوییم و برای حل هر مشکلی فقط دست تمنای خود را به‌سوی دستان مشکل‌گشای شما که واسطه خدا بر روی زمین هستی دراز کنیم. شما در بخشش و عطا کریم و از اولاد کریمانی! دعایمان کن که بیدار شویم و سرمه دنیا از چشمان خود پاک کنیم و تنها و تنها حُسنِ با شما بودن در چشمانمان زیبا جلوه کند و در آن هنگام جز نوای فرج شما هیچ نخواهیم و هیچ نخوانیم!!

«امید ارغوان»

به شرطی که!

پروفسور مجید سمعی را می‌توان یکی از مشهورترین و بزرگ‌ترین متخصصان جراحی مغز و اعصاب دنیا برشمرد. این پزشک معروف، ایجاد کننده زیرشاخه‌هایی از جراحی مغز به‌نام «جراحی قاعده مغز» است و در زمینه جراحی میکروسکوپی مغز،

ابداع کننده روش‌های تازه و بی نظیری بوده است: او می‌تواند در بخش قاعده یعنی بخش دسترس ناپذیر مغز، جراحی‌های پیچیده‌ای را انجام دهد. مؤسسه پروفیسور سمیعی در هانوفر آلمان، از جمله مشهورترین مراکز درمانی و آموزشی مغز و اعصاب در سراسر دنیا به‌شمار می‌رود. پروفیسور سمیعی پیشنهاد داد ساختمان این مؤسسه به شکل مغز انسان ساخته شود. این درخواست پروفیسور، بلافاصله پذیرفته شد و مؤسسه او یعنی انستیتوی بین‌المللی دانش نورولوژی به شکل تحسین برانگیزی شبیه مغز انسان طراحی شد.

ساختمان این انستیتو از لحاظ معماری، شاهکار محسوب می‌شود زیرا معماران توانستند چین و شکنج‌های مغز را به زیبایی در این ساختمان به نمایش بگذارند و در وسط ساختمان، برای شبیه‌سازی «شیار اصلی مغز» که دو نیم‌کره مغز را از هم جدا می‌کند، از نمای شیشه استفاده کردند.

پروفیسور سمیعی، به‌عنوان یکی از چهره‌های برتر کشور انتخاب شده است و نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان برای او احترام زیادی قائل هستند. سخن او خریدار دارد و درخواست‌هایش

بلافاصله اجابت می‌شود. حدود سی‌سال قبل، صدراعظم آلمان به پاس خدمات وی در جراحی مغز و اعصاب، نشان درجه یک دولت آلمان را به وی اعطا کرد.

سؤال این است که چرا دولت آلمان درخواست پروفیسور سمیعی برای ساختن انستیتوی مجهز دانش نورولوژی هانوفر به شکل مغز را پذیرفت و هزینه سنگین آن را متقبل شد؟ جواب این سؤال، بسیار ساده است! درخواست او پذیرفته شد چون «پروفیسور سمیعی» آن را خواسته بود!

جان کلام این است که اگر می‌خواهید در زندگی، عزیز باشید و دیگران به خواسته‌های شما احترام بگذارند؛ شرط دارد! این که مفید و به درد بخور باشید! باید چاره‌ساز مشکلی شوید و درمانگر دردی باشید که مبتلایان برای درمان آن درد حاضر باشند با جان و دل، دورتان بگردند، نازتان را بکشند، قدر شما را بدانند و برای خواسته‌هایتان احترام قائل شوند.

اینکه طلبکارانه انتظار داشته باشید که اطرافیان، شما را صرف نظر از واکنش‌ها و رفتارهای ناهنجار و آزار دهنده‌تان، بی هیچ قید و شرطی تکریم کنند، به شما احترام بگذارند، هرچه را

خواستید، بر آورده سازند و همیشه بهترین بخش کیک را به شما بدهند، در حالی که هیچ هنری ندارید و هیچ کار مفیدی از شما ساخته نیست؛ این توهمی است که دیر یا زود در صحنه اجتماع و زندگی واقعی متوجه پوچی و بی اساس بودن آن خواهید شد.

اگر می‌بینید بعضی افراد عزیزند و بقیه به آنها احترام می‌گذارند، شک نکنید که این افراد، درمانگر دردی هستند که بقیه از درمان آن ناتوان هستند. اگر ما هم در زندگی خود، خواستار احترام و عزت هستیم، باید بدانیم که این خواست ما پیش شرطی دارد: «اینکه به درد بخوریم و مفید باشیم!» مثل پرفسور سمیعی!

«سهیلا ثقفی»

همه مسافریم!

دو جهانگرد آمریکایی به قاهره رفتند تا عارف معروفی به نام «حافظ‌اعین» را ببینند. وقتی به منزل او رسیدند، با کمال تعجب دیدند که عارف در اتاقی بسیار ساده زندگی می‌کند. اتاق پر از کتاب بود و غیر از آن، فقط یک میز و نیمکت در آنجا بود. جهانگردان از عارف پرسیدند: «لوازم منزلتان کجاست؟» عارف

گفت: «مال شما کجاست؟» آن دو گفتند: «لوازم ما؟ ما اینجا مسافریم!» عارف گفت: «من هم در این دنیا مسافرم!»

[[سعید گل محمدی]]

به خود افتخار کنید!

نسبت به اعتقادات و ارزش‌هایتان و آنچه که هستید، غرور داشته باشید. به دانش، کار و چیزهایی که تا به حال به دست آورده‌اید، افتخار کنید. به همسر، فرزندان و خانواده خود، به خانه و محله و کشورتان، به اندام، آراستگی و برخورد‌های خود با مردم افتخار کنید. به تیم ورزشی یا گروه فرهنگی که از آن حمایت می‌کنید، به مسئولان دولت وقتی به نفع مردم و بدون در نظر گرفتن منافع شخصی کار می‌کنند، افتخار کنید.

از کسی که هستید، نترسید؛ چون با شجاعت و دلسوزی رفتار می‌کنید. از این حس که شما از خودتان بهترین را ساخته‌اید، آرامش پیدا کنید و به دیگران هم پیاموزید تا آنان هم به خود افتخار کنند.

[[فانزه درگاهی]]

راه کم گذر

روزی گوساله‌ای باید از جنگل بگری می‌گذشت تا به چراگاهش برسد. گوساله، حیوان بی‌فکری بود و راه پر پیچ و خم و پر فراز و نشیبی را برای خود انتخاب کرد. روز بعد، سگی که از آنجا می‌گذشت، از همان راه استفاده کرد تا از جنگل بگذرد. مدتی بعد، گوسفند راهنمای گله، آن راه را دید و گله‌اش را وادار کرد که از آن راه عبور کند. مدتی گذشت و انسان‌ها هم از همین راه برای عبور از جنگل استفاده کردند؛ می‌آمدند و می‌رفتند، به راست و چپ می‌پیچیدند، بالا می‌رفتند و پایین می‌آمدند؛ شکایت می‌کردند و آزار می‌دیدند. حق با آنان بود اما هیچ‌کس به فکرش نرسید که باید راه جدیدی باز کند.

مدتی بعد، آن کوره‌راه تبدیل به خیابان شد. حیوانات بیچاره زیر بارهای سنگین از پای می‌افتادند و مجبور بودند راهی را که می‌توانستند در ۳۰ دقیقه طی کنند، سه ساعته بروند زیرا از همان راهی عبور می‌کردند که گوساله گشوده بود. سال‌ها گذشت و آن خیابان، جاده اصلی یک روستا شد و بعد هم خیابان اصلی یک

شهر. همه از این خیابان شکایت داشتند زیرا مسیر بسیار بدی بود.
نکته اندکی توقف کن و به ندای دلت گوش بده! هر کس باید
معبر و مسیر زندگی‌اش را خودش انتخاب کند. راهی را انتخاب
نکن که دیگران قبلاً پای در آن گذاشته‌اند زیرا به این ترتیب،
زندگی تو حاصل انتخاب‌های دیگران خواهد بود. دائم نگاه نکن
که دیگران چه راهی را برگزیده‌اند، رهبر باش نه رهرو. قدم در
راهی بگذار که دلت فرمان می‌دهد و آن چنان استوار پای در این
راه بگذار که زمین به ایمان تو و استواری قدم‌هایی که
برمی‌داری، شهادت دهد.

آری، دو راه و دو انتخاب در برابر تو وجود دارد: راه دل و راه
دیگران. اگر راه دل را انتخاب کنی، مسافر جاده‌ای شده‌ای که
کسی تا به حال قدم در آن نگذاشته است. پاداش انتخابت آن
است: به جایی می‌رسی که تا کنون کسی به آن نرسیده است و این
گونه دیدار چشم‌اندازهای جدیدی از جهان را تجربه خواهی کرد
که تا به حال، دروازه‌های آن بر روی هیچ کس گشوده نشده است.
ترانه‌ای بخوان که هیچ کس نخوانده و فکری بکن که هیچ کس در
سر نپروورانده است! اشکی بریز که هیچ کسی برای خدا نریخته

باشد! صلح و آرامشی به افراد ببخش که کسی به آنان نبخشیده است! از خدا بخواه پذیرای تو باشد که در هیچ کجا پذیرایت نیستند! همه را با عشقی که هیچ کس تا به حال احساس نکرده، دوست بدار و با قدرتی مهار نشدنی در نبرد زندگی، مبارزه کن!
[[مسعود لعلی]]

از پنج نفر بر حذر باش!

امام زین العابدین (ع) به فرزندشان حضرت امام باقر (ع) فرمودند: «پسرم! از ۵ نفر بر حذر باش و با آنها گفت و گو و همراهی مکن. بر حذر باش از مصاحبت با دروغگو که او همانند سراب، دور را برای تو نزدیک و نزدیک را دور می کند! پرهیز از مصاحبت با فاسق زیرا او تو را به لقمه‌ای یا کمتر از آن می فروشد! بر حذر باش از همراهی با بخیل که تو را در نیازمندترین حالت به مال او، خوار و زبون می کند! پرهیز از مصاحبت با احمق که تلاش او برای سودرسانی به تو زیان آور است! پرهیز از همراهی با قطع کننده رحم که در کتاب الهی مورد لعن است.

[[اصول کافی]]

ریسک پذیری

دوتا دانه توی خاک حاصلخیز بهاری کنار هم نشسته بودند. دانه اولی گفت: «من می‌خواهم رشد کنم! می‌خواهم ریشه‌هایم را هرچه عمیق‌تر در دل خاک فرو کنم و شاخه‌هایم را از میان پوسته زمین بالای سرم پخش کنم! می‌خواهم شکوفه‌های لطیف خودم را همانند بیرق‌های رنگین برافشانم و رسیدن بهار را نوید دهم! تصمیم دارم گرمای آفتاب را روی صورت و لطافت شب‌نم صبحگاهی را روی گلبرگ‌هایم احساس کنم!»

دانه دوم گفت: «من می‌ترسم! اگر من ریشه‌هایم را به دل سیاه خاک فرو کنم، نمی‌دانم در آن تاریکی با چه چیزهایی روبه‌رو خواهند شد. اگر از میان خاک به هم فشرده، بالای سرم را نگاه کنم؛ امکان دارد شاخه‌های لطیفم آسیب ببینند! چه باید بکنم اگر شکوفه‌هایم باز شوند و ماری قصد خوردن آنها را داشته باشد؟ اگر قرار باشد شکوفه‌هایم به گل بنشینند، احتمال دارد یک کودک مرا از ریشه بیرون بکشد. نه، همان بهتر که منتظر بمانم تا فرصت بهتری نصیبم شود.» بدین ترتیب، دانه اول رویید و دانه دوم،

منتظر ماند! مرغ خانگی که برای یافتن غذا مشغول کند و کاو
زمین بود، دانه دومی را دید و در چشم برهم زدنی قورتش داد.
نتیجه اخلاقی این داستان آن عده از انسان‌ها که از حرکت و
رشد می‌ترسند، به وسیله زندگی بلعیده می‌شوند و آنان که
امیدوار، قدم در راه می‌گذارند؛ به سر منزل مقصود می‌رسند.
«راستکار محمودزاده»

آمد خزان

ای باغبان، ای باغبان! آمد خزان، آمد خزان
بر شاخ و برگ از درد دل، بنگر نشان بنگر نشان
ای باغبان هین گوش کن، ناله درختان نوش کن
نوحه‌کنان از هر طرف، صد بی زبان صد بی زبان
هرگز نباشد بی سبب، گریان دو چشم و خشک لب
نبود کسی به درد دل، رخ زعفران رخ زعفران
حاصل در آمد زاغ غم، در باغ می‌کوبد قدم
پرسان به افسوس و ستم، کو گلستان کو گلستان
کو سوسن و کو نسترن، کو سرو و لاله و یاسمن
کو سبزپوشان چمن، کو ارغوان کو ارغوان

کو میوه‌ها را دایگان، کو شهد و شکر رایگان
خشک است از شیر روان، هر شیردان هر شیردان
جمله درختان صف زده، جامه سیه ماتم زده
بی برگ و زار و نوحه‌گر، زان امتحان زان امتحان

«مولانا»

صله رحم

یکی از مهم‌ترین دستورات دین مبین اسلام که مستقیماً به زندگی اجتماعی انسان‌ها مربوط می‌شود، موضوع ارتباط با خویشاوندان و بستگان یعنی «صله رحم» است. صله رحم، صرفاً یک رفت و آمد معمولی و یک دید و بازدید تکراری نیست بلکه منظور شرع مقدس از داشتن ارتباط با بستگان، ایجاد یک زنجیره محکم روابط با کسانی است که هم‌خون یکدیگر هستند و باید هم در هنگام شادی و سرور و هم در مواجهه با مصیبت‌ها و رنج‌ها یار و غمخوار یکدیگر باشند.

در چندین آیه از قرآن کریم، آن هنگام که سخن از لزوم نیکی کردن به دیگران است؛ پس از پدر و مادر، بدون هیچ فاصله‌ای نام «ذی‌القربی» یعنی بستگان نزدیک ذکر شده است. از آنجا که هیچ

یک از تقدّم و تأخّر‌ها در آیات قرآن بی حکمت نیست، یقیناً هدف بسیار بزرگی در پشت تأکیدهای کتاب آسمانی ما بر لزوم نیکی به اقربا و خویشاوندان وجود دارد.

با توجه به اینکه صله رحم یک تکلیف دینی است، باید انجام آن همان اندازه ضروری دانسته شود که انجام سایر فرایض دینی برای ما اولویت دارد. اگر نگرش ما مسلمانان یک نگرش دینی باشد، طبیعتاً رفتار و عملکرد ما هم مطابق با مبانی دین خواهد شد. اگر چنین تحولی در نگرش و رفتار ما رخ دهد، زندگی ما بر پایه‌های مهربانی، رحمت، محبت، دوستی و نیکبختی و نیک عاقبتی بنا می‌شود.

نسل میانسال و سالمند ما تصدیق می‌کنند که در چند دهه گذشته گرچه بسیاری از امکانات و فناوری‌های پیشرفته کنونی در دسترس خانواده‌ها نبود و زندگی به‌سختی سپری می‌شد اما دل‌ها خوش، لب‌ها همیشه خندان، شکر و حمد الهی همیشه نقل محافل و حل مشکلات به‌صورت دسته‌جمعی و با تکیه بر خرد ریش سفیدها انجام می‌شد زیرا صله رحم، یک اصل مسلم و بخشی جدا نشدنی از زندگی روزمره مردم بود. در آن دوران، اگر کسی یک روز از

بستگان خود بی‌خبر می‌ماند، برای اطمینان از سلامت آنان دست به کار می‌شد. رفت و آمدها به دور از هر گونه تشریفات و تجملات بود و به همین دلیل، توقعات بستگان از یکدیگر هم بسیار پایین بود. اما امروزه زندگی برای بسیاری از خانواده‌ها دشوار شده است. رفت و آمدها عموماً سالی یک‌بار در تعطیلات نوروز و تجدید دیدارها معمولاً در مراسم ترحیم درگذشتگان صورت می‌گیرد. نه آرامش بر خانواده‌ها حاکم است و نه وضع اقتصادی بر وفق مراد است.

علت اصلی این سردرگمی‌ها گم کردن راه است. قدیمی‌ها می‌گفتند: «میهمان، روزی‌اش را با خودش می‌آورد!» باید به این امر باور داشته باشیم تا از میهمانی دادن هراس نداشته باشیم. اگر صله رحم، یکی از اجزای اصلی امور اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها شود، دیگر افراد خانواده و به‌ویژه نسل جوان احساس تنهایی، بدون پشتیبان ماندن و سرگستگی نمی‌کنند.

[[حسین یوسفی]]

کاریکلماتور

👉 اگر خودتان را به آن راه زدید، مواظب باشید گم نشوید!

برای داشتن موسیقی پاک، از گروه گر استفاده می کرد!

در فوتبال، هیچ کس کاری از دستش بر نمی آید!

برای اینکه حرف های بودار نزند، همیشه قبل از حرف زدن،

مسواک می زد!

بادکنک، یک سوزن به خودش زد ولی فرصت نکرد یک

جوالدوز به دیگران بزند!

هر وقت از خودش خجالت می کشید، با چشم بسته به آینه

نگاه می کرد!

از وقتی دندان شیری ام افتاده، نمی توانم شیر بخورم!

بستنی

پسربچه ای وارد یک بستنی فروشی شد و پشت میزی نشست.

پیشخدمت یک لیوان آب برایش آورد. پسربچه پرسید: «یک

بستنی میوه ای چند است؟» پیشخدمت پاسخ داد: «۵۰ سنت.»

پسرک دست در جیبش کرد و شروع به شمردن پول هایش کرد.

سپس پرسید: «یک بستنی ساده چند است؟» در حالی که چند

مشتری منتظر میز خالی بودند، پیشخدمت با عصبانیت پاسخ داد:

«۳۵ سنت.» پسرک دوباره سکه‌هایش را شمرد و گفت: «لطفاً یک بستنی ساده.» پیشخدمت بستنی را آورد.

پسرک پس از خوردن بستنی، پول را به صندوق پرداخت و رفت. وقتی پیشخدمت باز گشت، از آنچه دید حیرت کرد! آنجا در کنار ظرف خالی بستنی، دو سکه ۵ سنتی و ۵ سکه یک سنتی گذاشته بود برای انعام پیشخدمت! این داستان کسانی است که ذاتاً ثروتمند به دنیا آمده‌اند!

«امیررضا آرمیون»

آداب میهمانی کودکان

بچه‌ها بسیار پر انرژی هستند و دل‌شان تفریح و سرگرمی زیادی می‌خواهد. مناسبت برگزاری میهمانی کودکان می‌تواند جشن تولد، مراسم نامگذاری، تولد یک نوزاد یا هر چیز دیگری باشد. معمولاً بچه‌ها از گرفتن و دادن هدیه خوش‌شان می‌آید، پس اطمینان حاصل کنید که اگر فرزندان هدیه‌ای دریافت می‌کند، حتماً در مقابل، هدیه‌ای هم بدهد. میهمانان باید شامل بچه‌های همسایه هم بشوند. حتی بچه‌هایی را هم که فرزندان چندان با آنها رابطه نزدیکی ندارد، دعوت کنید تا آنان نرنجند و

حس نکنند از قلم افتاده‌اند. می‌توانید میهمانان را به شکل شفاهی دعوت کنید یا کارت‌های آماده برای این‌گونه مناسبت‌ها را برای‌شان ارسال کنید.

خوب است والدین میهمانان، از ساعت شروع و پایان میهمانی آگاه باشند تا به موقع برای بردن فرزند خود بیایند. برای بردن فرزند خود به میهمانی، وقت‌شناس باشید و گرنه ممکن است فرزند شما برخی بازی‌های سرگرم‌کننده را که میزبان برای‌شان تدارک دیده، از دست بدهد. حتماً برای بازی‌هایی که برای کودکان در میهمانی ترتیب می‌دهید، جوایزی هرچند کوچک آماده کنید. بعد از بردن کیک یا در پایان مراسم، مطمئن شوید که همه بچه‌ها بشقاب‌شان پر از خوراکی است و جایی برای نشستن دارند. اگر فرزند شما میهمان است، مطمئن شوید که پیش از ترک محل، از کودک میزبان و والدین او تشکر کرده است.

«زهرة زاهدی»

چراغ راهنمایی

چراغ راهنمایی در ایالات متحده اختراع شد و در سال ۱۹۱۸ م. در نیویورک به کار گرفته شد. ۸ سال بعد در ایالات متحده،

کمیته‌ای به منظور کنترل ترافیک تشکیل شد و شروع به کار کرد. کاربرد چراغ‌های راهنمایی، کنترل ترافیک و تعیین مسیر در تقاطع‌ها و دادن امنیت بیشتر به رانندگان است.

بریتانیا برای اولین بار از چراغ‌های راهنمایی در سال ۱۹۲۲ م. استفاده کرد. ۶۰ سال قبل از این، پلیس لندن سیستمی برای کنترل ترافیک به وجود آورده بود که علائم آن بر روی بازوهای متحرکی قرار داشت.

[[ترجمه، محمد و محمدرضا شمس]]

کنترل دیابت

مواد غذایی مؤثر برای کنترل دیابت:

لوبیا کسانی که هر روز به مدت سه ماه، یک فنجان لوبیا مصرف می‌کنند؛ قند خون پایین‌تری نسبت به کسانی دارند که از دیگر منابع فیبر استفاده می‌کنند. مصرف بالای لوبیا خطر ابتلا به دیابت را ۳۸ درصد کاهش می‌دهد.

گیلاس حاوی آنتوسیانین است که نوعی آنتی‌اکسیدان محسوب می‌شود و سطح قند خون را در افراد دیابتی کنترل می‌کند. آنتوسیانین، تولید انسولین را به میزان ۵۰ درصد کاهش می‌دهد.

تخم مرغ این ماده غذایی برای جلوگیری از نوسانات شدید در گلوکز و انسولین مؤثر است.

سبوس گندم فرآوری نشده برای کسانی که به دنبال از دست دادن وزن هستند، منبع غذایی خوبی است. ضمن اینکه به گفته کارشناسان، منجر به کاهش ابتلا به بیماری‌های قلبی و دیابت می‌شود و سطح قند خون را کنترل می‌کند.

[[دکتر مهدی مودد]]

زبان گل‌ها

موضوع جذاب گل‌ها و مفاهیم رنگ آنها را پس از دو ماه وقفه به دلیل تقارن با ماه‌های عزای اهل بیت (ع) پی می‌گیریم.

گل سفید هدیه کردن گل سفید می‌تواند به یکی از این دو منظور انجام شود: اول ابراز تعهد و وفاداری؛ مثلاً دسته گلی که عروس در مراسم عروسی در دست دارد، معمولاً به رنگ سفید است تا تعهد خود به زندگی مشترک را به همسر خویش تأکید کند. از سوی دیگر، گل سفید برای ابراز همدردی در مصیبت مرگ نیز کاربرد دارد. برای ابراز همدردی در مصیبت یا مشکل دیگری به جز مرگ، گل نارنجی کاربرد دارد.

گل صورتی، نشانه ظرافت است و می‌توان برای شرکت در جشن تولد، برای عروس یا فردی که نامزد کرده هدیه برد. گل بنفش را می‌توان به کسی داد که کار جدیدی را شروع کرده، دفتر کارش را عوض کرده یا در یک مسابقه ورزشی یا آزمون و المپیاد رتبه آورده است.

همان‌طور که در معرفی این مبحث تأکید شد، رنگ گل‌ها در عرف جوامع امروزی حاوی پیام و هدف خاصی است و رعایت این عرف باعث می‌شود هر گلی را برای هر مناسبتی هدیه نکنیم. علاوه بر رنگ گل‌ها، خود گل‌ها هم به نماد یک مفهوم خاص تبدیل شده‌اند که البته با توجه به تنوع گل‌ها، از این پس به مفاهیم برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

گل آفتاب گردان، نماد زندگی طولانی و شاد، احترام و افتخار کردن هدیه دهنده به شخص مقابل است.

آنتوریوم دارای رنگ‌های سفید و قرمز است و شکل آن شبیه قلب و ضخیم است. نماد فراوانی، میهمان نوازی و شادی است. رنگ سفید آن نشانه پاکی و بی‌گناهی و رنگ قرمز آن نماد عشق و علاقه است. هورتانسیا یا هوردنزیا که قبلاً آن را ادریسی

می‌نامیدند، رنگ‌های متفاوتی دارد اما رنگ بنفش آن بیشتر است. این گل، نماد ثروت و فراوانی است و رنگ صورتی آن را در دسته گل عروس قرار می‌دهند.

[[منیژه شعاعی]]

میوه به در احادیث

امام رضا (Σ) می‌فرمایند: «خداوند نفرستاد پیغمبری را مگر اینکه در او بوی به را به وجود آورد.» آن حضرت همچنین فرمودند: «بر شما باد خوردن به زیرا موجب زیادی عقل می‌شود.»

ایشان فرمودند: «به رسول خدا (ﷺ) به هدیه دادند. ایشان آن را با دستان خود نصف کردند. آن حضرت به را خیلی دوست می‌داشتند. آن را میل کردند و به یارانی که در محضرشان بودند دادند و فرمودند: به بخورید که قلب را جلا می‌دهد و برای سینه خوب است و آن را تمیز می‌کند.»

[[مسعود سجودی]]

سفارش‌های فرشی

* درخشان کردن فرش و برطرف کردن پرزهای خوابیده آن
برای درخشان کردن فرش، مقدار زیادی نشاسته ذرت با نمک روی فرش بپاشید. یک ساعت فرش را به حال خود بگذارید. سپس

آن را با جارو برقی جارو کنید. فرش شما درخشان و براق می‌شود. در باره پرزهای فرش که بر اثر تحمل وزن وسایل سنگین خوابیده است، آن قسمت از فرش را به وسیله اتوی بخار دوباره به حالت اول برگردانید. همین که بخار زیادی در اتو جمع شد، آن را روی قسمت آسیب دیده بگیرید. توجه داشته باشید که اتو روی فرش قرار نگیرد. آن را کمی بالاتر از فرش نگه دارید تا آن را نسوزاند. روش دیگر، اینکه چند قطعه یخ را روی قسمت خوابیده بگذارید و یک روز صبر کنید. خواهید دید که پرزهای خوابیده به حالت طبیعی برمی‌گردند.

لکه‌گیری فرش و موکت برای لکه‌گیری کردن فرش بدون حرکت دادن آن، می‌توانید از خمیرریش استفاده کنید. خمیرریش، یک پاک‌کننده آماده است. کافی است خمیر را روی لکه بمالید و سپس با آب بشوید.

لکه چربی روی فرش لکه چربی روی فرش و قالیچه را با مقدار زیادی جوش شیرین بپوشانید و آنها را خوب به داخل پرزهای فرش بمالید. بگذارید فرش یک شب به همین حالت بماند. روز بعد جوش شیرین‌ها را با جارو برقی جمع کنید.

«فرزانه اکبرنیا رودسری»



BOSHRA

A Scientific, Cultural, Social & Sports Monthly

International Reg. No.: 1550-1735-3658

استان سمنان، شهرستان میامی، دهستان رضوان جشنواره شقایق‌ها در حسین‌آباد کالبوش

Managing Director: Nasrin Atyabi
Address: P.O. BOX 17775/336 Teh.Iran
Fax: +9821 33102466
Cell Phone: +98 912 307 0328
Website: www.karnda.ir

اینوگرافی: نوید • چاپ: جلد، چاپ امیرالمؤمنین
چاپ: تبریز، تهران، خواجهان، ایران، خواجهان مجله‌ها، پلاک ۲۸
تلفن: ۰۲۱-۳۳۶۸ / ۳۳۵۱۸۸۶-۳
تلفنکس: ۳۳۱-۳۳۶۵، مهرکد: ۳۰۷۰۳۳۸، ۹۱۲
ایران، جلد، ویرید: کتابی

ماهینامه ویژه نابینایان و کم بینایان
صاحب اعتبار و مدیر مسئول: نسرتین اقبایی
ویراستار: سیمه زهرا آراکلی
امور فنی: رفیع زنجبلی - حسین یوسفی فرمژادی
نشانی: ایران - تهران صندوق پستی: ۱۷۷۷۵/۳۳۸